

پایه:	۱۰	موضوع:	اصول ۱
تاریخ:	۹۴/۰۳/۱۹	ساعت:	۱۶

نام کتاب: کفایه الاصول، از المقصد الفامس (المطلق والمقید) تا المقصد السابع اصول العملیه

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریفی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریفی ۲ نمره)

تستی

۱. ممکن آن یؤخذ ج ۳۰۷

أ. القطع بالحکم فی موضوع نفس الحکم ☐ب. الظن بالحکم فی موضوع نفس الحکم ☐ج. القطع بمرتبة من الحکم فی مرتبة أخرى منه ☒د. القطع بالحکم فی موضوع ضده ☐

۲. إذا تعارض اثنان من الإجماعات المنقولة أو أكثر فلا يكون التعارض إلّا بحسب ب ۳۳۵

أ. السبب و المسبب معاً ☐ب. المسبب و أمّا بحسب السبب فلا تعارض ☒ج. السبب أو المسبب ☐د. السبب و أمّا بحسب المسبب فلا تعارض ☐

۳. إذا تمكن من القطع التفصيلی بالإمتثال فالموافقة الإجمالية فی التوصیلات الموافقة الإجمالية فی العبادات. أ ۳۱۵

أ. موجبة للسقوط نظیر ☒ ب. موجبة للسقوط بخلاف ☐ ج. غیر موجبة للسقوط نظیر ☐ د. غیر موجبة للسقوط بخلاف ☐

۴. الإجماعات المنقولة فی السنة الأصحاب غالباً مبنية علی ب ۳۳۳

أ. قاعدة اللطف ☐ ب. حدس الناقل أو إعتقاد الملازمة عقلاً ☒ ج. الحس ☐ د. حكاية رأى الإمام بالتضمن ☐

تشریحی

* ليس فی المعصية الحقيقية إلّا منشأ واحد لإستحقاق العقوبة و هو هتك واحد فلا وجه لإستحقاق عقابین متداخلین كما توهم مع ضرورة أن المعصية الواحدة لا توجب إلّا عقوبة واحدة، كما لا وجه لتداخلهما علی تقدير استحقاقهما كما لا يخفى، و لا منشأ لتوهمه إلّا بداهة أنه ليس فی معصية واحدة إلّا عقوبة واحدة مع الغفلة عن أن وحدة المسبب تكشف بنحو الإن عن وحدة السبب. ۳۰۲

۱. توهم و اشکال آن را توضیح دهید.

توهم: در معصیت حقیقی دو عقاب است اما در همدیگر تداخل می‌کنند.

اشکال: معصیت واحد یک عقوبت بیشتر ندارد؛ چون یک هتك است و اگر دو عقاب داشته باشد وجهی برای تداخل آنها نیست؛ پس وقتی سبب واحد بود مسبب هم واحد است و از اینکه مسبب (عقاب) واحد است كشف می‌کنیم سبب هم واحد است.

* توهم دلالة قوله ﷺ «خذ بما اشتهر بين أصحابك» علی حجیة الشهرة فی الفتوى مع أن الواضح كون المراد من الموصول هو الرواية لا ما یعم الفتوى. نعم بناءً علی حجیة الخبر ببناء العقلاء لا یبعد دعوی عدم اختصاص بنائهم علی حجیته بل حجیة كل أمانة مفيدة للظن أو الإطمئنان. ۳۳۶

۲. أ. اشکال مصنف بر توهم را بنویسید. ب. عبارت «نعم بناءً...» استدراک از چیست؟ توضیح دهید.

أ. روایت بر حجیت شهرت فتوایی دلالت ندارد؛ چون مراد از «ما» روایت است و شامل فتوی نمی‌شود

ب. اگر دلیل حجیت خبر، بناء عقلاء باشد چون بناء عقلاء بر حجیت هر اماره مفید ظن و اطمینان ثابت است؛ پس شهرت فتوایی حجت است، چون مفید ظن و اطمینان است.

* التحقيق أن علم الجنس موضوع لصرف المعنى بلا لحاظ التعین الذهنی معه کاسم الجنس و التعریف فيه لفظی و إلّا لما صحّ حمله علی الأفراد بلا تصرف و تأویل لآئنه علی المشهور کلی عقلی. ۲۸۳

۳. وجه تفاوت و اشتراک اسم جنس با علم جنس چیست؟ توضیح دهید.

تفاوت در لفظ است یعنی علم جنس، لفظاً معرفه ولی اسم جنس، نکره است اما وجه اشتراکشان در معنی است که برای صرف المعنی وضع شده‌اند و هیچ چیز دیگر در معنای آنها لحاظ نشده است و هیچ تعین ذهنی ندارد؛ چون اگر تعین ذهنی داشت کلی عقلی می‌شود و دیگر قابل حمل بر افراد نخواهد بود با اینکه حمل آن بدون تصرف و تأویل صحیح است.

* آورد علی التعبد بالآمارات غیر العلمیّة بأنّ التعبد بها یوجب اجتماع مثلین من إيجابین أو تحريمین مثلاً فیما أصاب أو ضدین من إيجاب و تحريم فیما اخطأ. و الجواب أنّ هذا غیر لازم و ذلك لأنّ التعبد بطریق غیر علمی إنّما هو بجعل حجّیّته و الحجّیّة المجعولة غیر مستتبعة لإنشاء أحكام تکلیفیة بحسب ما أدّى إلیه الطریق بل إنّما تكون موجبة لتجنّز التکلیف به إذا أصاب و صحّة الاعتذار به إذا أخطأ. ۳۱۸-۹

۴. ایراد مذکور و پاسخ آن را شرح دهید.

ایراد: حجّیّت ظن، موجب اجتماع مثلین فیما اصاب و یا اجتماع ضدین فیما اخطأ است. جواب: اجتماع دو حکم، بنابر این است که مجعول در باب امارات را حکم تکلیفی بدانیم ولی اگر مجعول را حجت بدانیم اجتماع دو حکم لازم نمی‌آید، بلکه در صورت موافقت اماره، موجب تنجز واقع و در فرض مخالفت، موجب عذر می‌شود.

* قد یشکل بأنّه لیس لآیة النبأ مفهوم لأنّ التعلیل بإصابة القوم بالجهالة المشترک بین المفهوم و المنطوق یكون قرینة علی أنّه لیس لها مفهوم و لا یخفی أنّ الإشکال إنّما یبتنی علی کون الجهالة بمعنی عدم العلم مع أنّ دعوی أنّها بمعنی السفاهة و فعل ما لا ینبغی صدورہ من العاقل غیر بعیدة. ۳۴۱

۵. اشکال و پاسخ آن را توضیح دهید.

اشکال: آیه نبأ مفهوم ندارد؛ چون علت (اصابة قوم به جهالت) در خبر عادل هم جاری است و این قرینه بر عدم مفهوم است. پاسخ: اگر جهالت در آیه به معنای «عدم العلم» باشد اشکال وارد است؛ چون عدم العلم در خبر عادل هم هست ولی اگر جهالت به معنای سفاهت باشد دیگر علت شامل خبر عادل نمی‌شود؛ چون عمل به خبر عادل سفیهانه و غیر عقلایی نیست.

* من الأدلة علی حجّیّة خبر الواحد قوله تعالی «... فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» و قد أورد علیها: بأنّه لو سلم دلالتها علی التعبد بما أجاب أهل الذکر فلا دلالة لها علی التعبد بما یروی الراوی فإنّه بما هو راو لا یكون من أهل الذکر و العلم فالمناسب إنّما هو الاستدلال بها علی حجّیّة الفتوی لا الروایة.

۶. آیه شریفه، در چه فرضی بر حجّیت خبر واحد و در چه فرضی بر حجّیت فتوی دلالت دارد؟ ۳۴۵

اگر دلالت داشته باشد که آنچه راوی می‌گوید تعبداً بپذیر، دلیل بر حجّیت خبر واحد می‌شود ولی اگر دلالت داشته باشد که گفته راوی که اهل علم و ذکر است را بپذیر، دلیل بر حجّیت فتوی مجتهد است.

* العلم الإجمالی و إن کان حاصلّاً بین جمیع الأخبار إلّا أنّ العلم بوجود الأخبار الصادرة عنهم ﷺ بقدر الکفایة بین تلك الطائفة الموجودة فی الكتب المعتمدة للشیعة مع عمل جمع به أو العلم باعتبار طائفة كذلك بینها یوجب انحلال ذاک العلم الإجمالی و صیرورة غیرها خارجة عن طرف العلم. ۳۵۱

۷. آیا علم اجمالی به صدور اخبار، باعث وجوب عمل به همه اخبار می‌شود؟ چرا؟

خیر؛ چون علم اجمالی منحلّ می‌شود، ما به مقدار کفایت از اخبار را وقتی در اخبار ائمه پیدا کردیم علم به دخول بقیه آنها تحت علم نداریم؛ پس احتیاط در آنها لازم نیست.

* إذا ورد مطلق و مقید متوافقین فالمشهور فیهما الحمل و التقیید و قد أورد علیه بإمكان الجمع علی وجه آخر مثل حمل الأمر فی المقید علی الإستحباب و أورد علیه بأنّ التقیید لیس تصرفاً فی معنی اللفظ و إنّما هو تصرف فی وجه من وجوه المعنی اقتضاه تجرّده عن القید مع تخیل وروده فی مقام بیان تمام المراد فلا یعارض ذلك بالتصرف فی المقید بحمل أمره علی الإستحباب. ۲۹۰

۸. ا. دو وجه جمع در فرض مذکور را بیان کنید. ب. عبارت «و أورد علیه بأنّ التقیید...» اشکال بر کدام وجه است؟ توضیح دهید.

ا. دو وجه جمع ۱. (مشهور:) حمل مطلق بر مقید (جمع موضوعی) ۲. (غیر مشهور:) حمل امر در مقید بر استحباب (جمع حکمی).
ب. اشکال به جمع غیر مشهور است که بر اساس این جمع، مجاز لازم می‌آید (حمل امر بر استحباب) ولی بنابر نظریه مشهور مجاز لازم نمی‌آید.

* لا تفاوت فی نظر العقل فیما رتب علی القطع من الآثار عقلاً بین أن یکون حاصلًا بنحو متعارف أو غیر متعارف لا ینبغی حصوله منه کما هو الحال غالباً فی القطع ضرورة أن العقل یری تنجز التکلیف بالقطع الحاصل ممّا لا ینبغی حصوله و صحّة مؤاخذه قاطعه علی مخالفته و عدم صحّة الاعتذار عنها بأنّه حصل کذلک نعم ربما یتفاوت الحال فی القطع المأخوذ فی الموضوع شرعاً و المتبع فی عمومہ و خصوصه دلالة دلیلہ فی کل مورد. ۳۱۰

۹. ا. آیا قطع قطاع حجت است؟ چرا؟ ب. عبارت «نعم ربما یتفاوت» را توضیح دهید.

ا. اگر قطع طریقی باشد، قطع قطاع نیز از نظر عقل حجت است.

ب. اشاره به این است که قطعی که از غیر متعارف حاصل می‌شود در مواردی که قطع موضوعی است تابع دلیلی است که آن قطع را موضوع قرار داده اگر بگونه‌ای باشد که قطع حاصل از غیر متعارف را شامل نشود چنین قطعی اعتبار ندارد.